

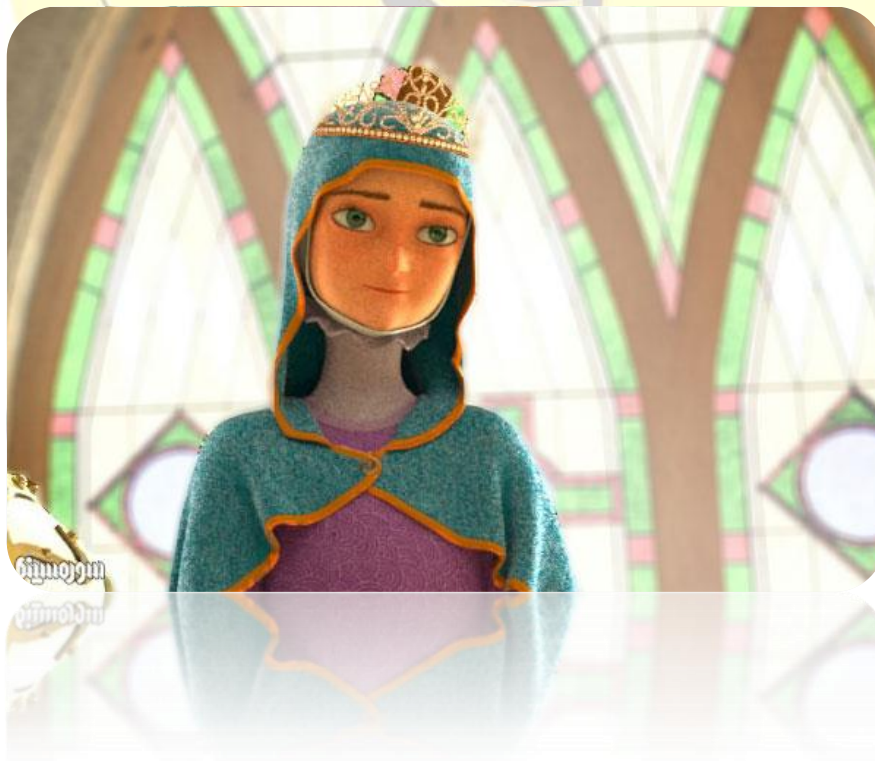
نقد و بررسی انیمیشن شاهزاده روم



در زمان پخش انیمیشن شاهزاده روم چند تن از اساتید به حقیر پیشنهاد دادند تا نقدی منصفانه بر این انیمیشن داشته باشم بنده ترجیح دادم چون این کار روی پرده ی سینما تا جوانه زده صبر کنم تا اولین حرکت مهدوی به بار بنشیند ان شالله که تصمیم بجایی گرفته باشم و اما نقد...

نقدی بر مسائل فنی وارد نیست تولید چنین کاری با این کیفیت عالی در ایران واقعا جای تحسین و تشویق دارد تا سازندگان در این عرصه دست به تولیدات بیشتر با محتوای ارزشی بزنند شایسته می دانم از سازندگان فنی تشکر و قدردانی کنم که با امکانات اندک توانستند بر روی نمی توانیم ها خط بطلان بکشند

تیتراژ زیبا و پسندیده بود زیرا ترکیبی از تصاویر مسیحیت و اسلام بود و ذهن پرشگر کودک را آماده پاسخ می کرد در این انیمیشن دو راوی غیرانسانی داشتیم 1- شاپرک نماد خیر و نیکی و به نوعی نگهبان بانو نرجس(س) بود 2- خفاش که نماد شر و زشتی و از بین برنده ی صلح و آزادی بود



داستان بسیار زیبا با شاپرک روایت می شد و کودکان سرزمینم توانستند ارتباط عالی با او برقرار کنند با حضور شاپرک فضای نرم و لطیف و ملود آرام زمینه ی تصویر میشد گویا دل بچه ها قرص میشد نمی خواهم تیتروار پیش بروم که مثلا این نکات مثبت و این نکات منفی ، نمی پسندم فصل ایجاد کنم تا ذهن را در این مقاله مجبور به طبقه بندی کنم ، خواننده خود آزاداست هرطور که می خواهد برداشت کند

فقط به صورت نکته وار پبش می روم زیرا اهل قضاوت نیستم ،اولین مساله حائز اهمیت در این انیمیشن این است که بانو نرجس در ایتالیا و قصر بیزانس زندگی نمی کردند این اشتباهی است که در اذهان مردم به خطا نهاده شده است ، امپراطوری روم در دو قسمت اداره میشده : روم غربی که شامل بیزانس و روم شرقی با پایتخت قسطنطنیه که بانو نرس مادر آقا امام زمان(عج) در کاخ روم شرقی که همان ترکیه و استانبول کنونی است می زیستند

نکته دوم

در شهر لباس مردم کاملا شرقی بود و لباس های رومی بر تن نداشتند حتی بناها هم میشد گفت به نوعی بی شناسنامه اند

نکته سوم

بکارگیری موسیقی زیبا و تاثیرگذار با صدای ناقوس کلیسا

نکته چهارم

در خلال روند داستان بانو نرجس(س) بیان داشتند که عروسی ام بار پیش بهم خورد روایت مورد وثوق موجود در کتاب کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق علیه رحمه باب 41 جلد دوم می بشد این روایت تنها روایت مورد تایید علمای بزرگ شیعه است که در سندش هیچ مشکلی وارد نیست این روایت چند صفحه ای درباره ی مادر قائم(عج) وارد شده است اگر یکبار با دقت از ابتدا تا به انتها این رویت را مطالعه کنیم دریافت خواهیم کرد که این مراسم عروسی دوبار رخ داده است و وقفه ای در آن نبوده است بلافاصله بعد از رخ دادن زلزله ی اول و از هوش رفتن داماد ، قیصر پدربزرگ بانو (البته در همان مجلس) می فرماید:

ستون ها را برپا سازید و صلیب ها را برافرازید و برادر این بخت برگشته ی بدبخت را بیاورید تا این دختر را به ازدواج او در آورم و نحوست او را به سعادت آن دیگری دفع سازم

سپس اوامر قیصر اجرا می شود و باز بدون معطلی پیشامد اول نیز برای داماد دوم تکرار می شود متاسفانه در انیمیشن این زلزله را با وقفه ای شاید مدت دار نشان داد و شخصیت داماد کرایتوس از ابتدا ثابت بود



نکته پنجم

در انیمیشن دیدن رویای صادقه ی بانو را قبل از مراسم عقد نشان دادند درحالیکه طبق نص روایت دیدن رویا دقیقا در همان شب بعد از رخ دادن زلزله واقع میشود و بانو به عقد امام حسن عسکری(ع) در می آیند

نکته ششم

واجب میبینم سلسله مراتب خواستگاری از بانو در رویا را به صورت مختصر شرح دهم حضرت محمد(ص) به همراه جوانان و شماری از فرزندشان وارد می شوند و مسیح(ع) به استقبال ایشان می روند سپس حضرت محمد(ص) به حضرت عیسی (ع) می فرمایند:

ای روح الله من آمده ام تا از وصی تو ، شمعون دخترش را برای پسرم خواستگاری کنم و سپس حضرت مسیح(ع) به شمعون(ع) می فرمایند: شرافت نزد تو آمده است با رسول خدا(ص) خویشاوندی کن و در نهایت شمعون حمون صفا می فرماید: چنین کردم و خطبه ی عقد جاری می شود

نکته هفتم

بعد از دیدن رویا بانو در انیمیشن این رویا را برای ندیمه اش تعریف کرد درحالیکه طبق متن روایت بانو صراحتا می فرمایند:

چون از خواب بیدار شدم ترسیدم اگر این رویا را برای پدرم بازگو کنم مرا بکشند



نکته هشتم

در انیمیشن شب خواستگاری را برابر با حمله ی دشمن نشان داد ، متاسفانه داستان چون طبق چیدمان واقعیت که در روایت آمده است پیش نمی رود مخاطب داستان را گم می کند که چرا سال هاست بانو منتظر چنین روزی هستند؟ بانو ناگهان تغییر لباس می دهد در انیمیشن نشان داده شده اند که در خلال

جنگ ، رویا تکمیل می شه و اینکه بانو(س) گلایه می کنند که چرا نمی توانند همسرش را ببینند؟ درحالیکه طبق روایت بعد از دیدن رویا و دل باختن بانو به آقا امام حسن عسکری(ع) سخت بیمار می شوند و باطبع بخاطر بیماری دست از خوردن و نوشیدن می کشند ایشان ضعیف و لاغر می شدند و جدشان در شهرهای روم طبیبی نمی ماند که بر بالین نوه اش نیاورند همه از درمان وی نا امید می شوند و قیصر به بانو می فرماید:

ای نور چشم آیا آرزویی داری تا آن را برآورده کنم؟ این جا نشان میدهد که بانو در واقع بسیار بیمار و رنجور شوند گویی که جدش تصور نمی کند شاید بتواند در آخرین لحظات زندگی نوه ی عزیزش آرزویش را بر آورده سازد و بانو می فرماید:

همه ی درها به رویم بسته شده است ، اگر شکنجه و زنجیر را از اسیران مسلمانی که در زندان هستند بر می داشتی و آن ها را آزاد می کردی امیدوار بودم که مسیح و مادرش شفا و عافیت به من ارزانی کنند

قیصر چنین می کند و بانو اظهار صحت و عافیت می کنند و اندکی غذا می خورند خوانندگان محترم ببینید اگر طبق همین روایت داستان نوشته می شد بسیار جذاب تر و کامل تر به نمایش در می آمد و مخاطب در سردرگمی قرار نمی گرفت

نکته نهم

ترکیب زیبای رویا در واقعیت بسیار هنرمندانه بود با سخن گفتن بانو با مریم مقدس(س) در صحنه ی جنگ و آتش و حضور بانو با نشان دادن گل نرگس زیبایی دو چندان را در دل مخاطبان ایجاد می کرد

نکته دهم

بعد از جنگ کشور بدست **هیراد یهودی** نیوفتاد بلکه سلسله ی **آموریان** توسط **باسیلیوس** مهتر امپراطور میخائیل سوم سرنگون شد

نکته یازدهم

طبق روایت از قبل آقا امام هادی(ع) برای خرید بانو با بشرین سلیمان صحبت کرده بودند و تمام موارد را مو به مو به ایشان ابلاغ کرده بودند در انیمیشن که در بخش سرزمین عربی به نمای شدر آمد مغایر با روایت اصلی بود

نکته دوازدهم

بانو نرجس(س) با رویند در ملا عام برای فروش حاضر میشوند تا کسی چهره ی ایشان را مشاهده نکند درحالیکه در انیمیشن اینطور نبود

کلام آخر

قبل از دیدن انیمیشن بسیار نگران بودم زیرا به تصویر کشیدن چهره مادر آخرین ذخیره ی الهی الحق و الانصاف کار بسیار بسیار سختی است و قطعاً چالش برانگیزه و خوشبختانه با دیدن کاراکتر بانو انقدر آرام شدم و دعایی در حق جناب هادی محمدیان کردم ، این کاراکتر چهره ای معصوم بدون آیتم های خاصی و حتی قالب بدن بانو بی نهایت پوشیده و برجستگی های بدن ایشان کاملاً محو بود به جرات می توانم بگویم این کاراکتر در خور شان بانو نرجس(س) است ان شاءالله که مورد پسند ساحت مقدس پسر بزرگوارشان واقع شده باشد

در یک جمع بندی کلی عرض کنم ، بهتر بود طبق روال متن روایت پیش می رفت و ذوق و خلاقیت نویسندگی در شاخ و برگ دادن به اجزای روایت می بود نه اینکه این ذوق خرج بدنه ی اصلی روایت شود شاید بتوانم این داستان را اینطور تیتتر بزنم

شاهزاده روم انیمیشنی به روایت هادی محمدیان